



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2021; 3(2): 168-173

Received: 13-02-2021

Accepted: 15-03-2021

پوهنیار شمس الحق حنیف

عضو کادر علمی دبیرانتمنت فقه
و قانون پوهنهی شرعیات
پوهنتون پروان

روی کرد فقهی تعطیلی در تعامل با مقاصد شریعت

پوهنیار شمس الحق حنیف

چکیده

نویسنده این مقاله می‌خواهد موقف مکتب تعطیلی را در تعامل با مقاصد شریعت بیان کند و به مغالطه‌هایی که پیروان این مکتب وارد کرده اند پاسخ دهد. پیروان روی کرد تعطیلی به زعم خودشان توجه به مقاصد شریعت و علل احکام (که روح شریعت است) دارند. این‌ها به بهانه مصلحت‌بندگان، نصوص شرعی را ترک می‌کنند. این گروه اصول فکری شان را بر مبنای "ترجیح عقل بر نقل، ادعای تعطیل نصوص از طرف عمر (رضی الله عنه) به نام مصالح، و مقوله - آن‌جا که مصلحت است شریعت آن‌جا است -" گذاشته اند که در این مقاله پوچی این ادعاها ثابت شده است. دین را وسیله دست‌رسی به مصالح دنیایی دانستن، ناآگاهی از احکام شرعی، جسارت در گفتار غیر عالمانه و پیروی از غرب و دین ستیزی، از مشخصات این روی کرد فقهی است. تعطیل نصوص شرعی (قرآن و سنت) به بهانه مقاصد شریعت و مصالح بنده‌گان، مخالفت با ارکان، ارزش‌ها، و حدود اسلامی زیر نام مصلحت، از آثار و نتایج این نوع طرز تفکر است. این مقاله مشتمل بر مقدمه، اصل موضوع و خاتمه می‌باشد. در مقدمه اهمیت موضوع، انگیزه انتخاب موضوع، بیان مسأله، فرضیه‌های تحقیق، هدف تحقیق، پیشینه تحقیق، ویژگی‌های تحقیق و روش کاری بحث شده است. در صلب موضوع مشخصات مکتب تعطیلی، تکیه‌گاه‌ها و محورهای فکری، و نتایج این نوع طرز تفکر به بررسی گرفته شده است. و در خاتمه نتیجه‌گیری شده و فهرست مراجع درج شده است. در تهیه این مقاله از کتاب‌های معتبر دانشمندان قدیم و معاصر، و منابع انترنیتی استفاده شده است که در کل تحقیق کتابخانه ای می‌باشد.

کلمات کلیدی: روی کرد تعطیلی، تعامل، استنباط، احکام شرعی، مقاصد شریعت؛ محورهای فکری، مشخصات، ضوابط و معیارها.

مقدمه

الحمد لله والصلوة على رسول الله صلى الله عليه وسلم وعلى آله وأصحابه و أتباعه اجمعين.

و بعد:

مقوله مقاصد شریعت در طول تاریخ به گونه ضمنی و صریح مورد بحث بوده و این که در استنباط احکام شرعی، مقاصد شریعت یا به عبارت دیگر مصالح بنده‌گان در نظر گرفته شود یا خیر، همواره مورد اختلاف دانشمندان اسلامی بوده است. در مورد این مسأله سه نظریه (ظاهر گرایانه که توجه به ظواهر نصوص دار و مقاصد شریعت را اعتبار نمی‌دهد، تعطیلی که به بهانه رعایت مقاصد شریعت به نصوص شرعی عمل نمی‌کند، و اعتدالی که با اصل قرار دادن نصوص شرعی توجه خاص به مقاصد شریعت نیز دارد) وجود دارد. در این نوشتار روی کرد تعطیلی را به بررسی گرفته ایم.

انگیزه انتخاب موضوع؛ انگیزه انتخاب این موضوع برداشت‌های نادرست و افراطی است که در مورد جایگاه مقاصد شریعت وجود دارد و از شریعت اسلامی تصویر غیر واقعی ارائه کرده است.

بیان مسأله (حل مشکل)؛ موضوع مقاصد شریعت و روی کردهای افراطی و تفریطی در این مورد ایجاب می‌نماید در این زمینه تحقیق صورت گیرد. این که چگونه می‌توان در روشنی نصوص قرآن و سنت، و نظریات دانشمندان اسلامی با مقاصد شریعت به نحوی تعامل نمود که در روشنی آن بتوان مسائل شرعی را استنباط نمود و منجر به تعطیل نصوص شرعی نشود؟ این مقاله در پاسخ به این سؤال نوشته شده است.

Corresponding Author:

پوهنیار شمس الحق حنیف

عضو کادر علمی دبیرانتمنت فقه
و قانون پوهنهی شرعیات
پوهنتون پروان

فرضیه‌های تحقیق؛ به نظر می‌رسد تعامل افراطی با مقاصد شریعت به عنوان اصل اصیل اصول فقه، منجر به تعطیل نصوص شرعی می‌شود، که اتباع از هوا و خواهشات نفسانی را در پی دارد. نویسنده جهت به اثبات رساندن این فرضیه، به این سوال که آیا توجه افراطی به مقاصد شریعت به عنوان اصل اصیل اصول فقه منجر به تعطیل نصوص شرعی نمی‌شود؟ پاسخ داده است. جهت وضاحت بیشتر در ذیل چند سوال مطرح شده است که در این مقاله به این سوالات پاسخ داده شده است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: هسته مرکزی رویکرد تعطیلی را کدام موضوع تشکیل می‌دهد؟

سوالات فرعی:

- (۱) هدف از مقاصد شریعت چیست؟
- (۲) رویکرد تعطیلی دارای چی مشخصاتی است و محورهای فکری آن کدام است؟
- (۳) توجه به مقاصد شریعت در استنباط احکام تابع کدام اصول و ضوابط است؟

اهمیت تحقیق؛ روشن ساختن جایگاه مقاصد شریعت در استنباط احکام شرعی، اهمیت خاصی دارد، تا رویکرد افراطی به مقاصد شریعت سبب تعطیل نصوص شرعی نشود.

هدف تحقیق؛ این تحقیق به هدف معرفی رویکرد تعطیلی در مورد مقاصد شریعت صورت گرفته است، تا یک سلسله غلط فهمی‌ها و مغالطاتی که آگاهانه یا ناآگاهانه وجود دارد و مطرح می‌شود برطرف شود.

پیشینه تحقیق؛ هرچند بحث مقاصد شریعت به صدر اسلام بر می‌گردد، ولی به عنوان یک بحث اصولی از قرن سوم مورد توجه قرار گرفته و بعد از قرن پنجم در کتاب‌های اصولی راه باز کرده است. دانشمندان اسلامی (که رحمت الهی شامل حال همه آن‌ها باد) در ضمن کتاب‌های اصولی بابی را به آن اختصاص داده اند، و کتاب‌های مستقلی نوشته اند؛ به دلیل پرهیز از تطویل چند کتابی را که حیثیت مرجع را دارند یادآور می‌شویم.

"البرهان في أصول الفقه" از امام الحرمین جوینی (م 478 ق)؛ "مسالك التعليل" از امام غزالی (م 505 ق)؛ "اقتضاء الصراط المستقيم" از ابن تیمیه (م 652 ق)؛ "قواعد الأحكام في مصالح الأنام"، از العز بن عبد السلام (م 660 ق)؛ "إحكام الأحكام" از ابو الحسن آمدی (م 631 ق)؛ "الإحكام في تمييز الفتاوى عن الأحكام وتصرف القاضي والإمام"، "الفروق"، "النفائس"، و "شرح تنقيح الفصول" از امام شهاب الدین قرافی (م 684 ق)؛ "الإبهاج في شرح المنهاج" از تاج الدین سبکی (م 771 ق)؛ "إعلام الموقعين از ابن القيم (م 751 ق)، "الموافقات في أصول الشريعة" و "الإعتصام في أصول الفقه" از امام شاطبی (م ۷۹۰ ق)؛ که مدون این علم خوانده شده است.

در زمان معاصر این علم لباس جدیدی به تن کرده و علمای معاصر در این موضوع کتاب‌هایی نوشته اند که به دلیل عدم گنجایش این مقاله، در بخش‌های بعدی به معرفی گرفته خواهند شد.

ویژگی‌های این تحقیق؛ با آن‌که در این موضوع علمای متقدم و متأخر، کتاب‌های گران‌سنگی نوشته اند که تعدادی از این کتاب‌ها مرجع این علم هستند؛ بررسی رویکرد تعطیلی در باب مقاصد شریعت، توأم با مباحث مقدماتی که برای این علم ضروری است، مثال‌های تطبیقی، رفع مغالطه‌ها، خلاصه‌سازی مطالب و اجتناب از بحث‌های طولانی، از ویژگی‌های بارز این تحقیق است.

سازماندهی تحقیق؛ در این مقاله، مقاصد شریعت تعریف شده، مشخصات و محورهای فکری، و نمونه‌هایی از نتایج و آثار این مکاتب فکری در ضمن مثال توضیح داده شده است. مغالطه‌ها در مورد مقاصد شریعت و مسائل مربوط به آن رفع گردیده است. در اخیر مناقشه و نتیجه‌گیری شده و فهرست منابع و مأخذ درج شده است.

روش کاری؛ در مأخذ دهی این مقاله از روش کود نمبر به ترتیب روش الفبایی استفاده شده است. در تهیه این مقاله از منابع کتابخانه‌ای کاغذی، انترنیتی استفاده شده است.

تعریف مقاصد شریعت

نخست این عنوان را به لحاظ ترکیبی یا اضافی و سپس به لحاظ اسمی یا علمی تعریف می‌کنیم.

تعریف اضافی مقاصد شریعت؛ مقاصد جمع مقصد است (و از "قصد" گرفته شده است)، چیزی که رسیدن به آن اراده شده باشد. در قرآن کریم به معانی اعتدال و میانه‌روی، راه راست و نزدیکی آمده است (لقمان: 19، النحل: 9، التوبه: 49)؛ (ابن منظور، ب ت؛ ۲: 353 / 3) و (اصفهانی، ۱۳۹۹ق؛ ۳: 404). شریعت در لغت راه و روش آشکار و واضح را گویند، اصطلاح شریعت از شریعة الماء (آبشخور) گرفته شده است. (ابن منظور، ب ت؛ ۲: 8 / 175). این کلمه در اصطلاح اسلامی مجازا به معنای احکام الهی [ودین] به کار رفته است. وجه شبه در میان احکام الهی و آبشخور سیراب و پاکیزه کردن است. (اصفهانی، ۱۳۹۹ق؛ ۳: 258). شریعت در اصطلاح اسلامی امروزه به دو معنای عام (عقاید، احکام، اخلاق و سایر شعبه‌های دین اسلام) و معنای خاص (احکام و قوانین) به کار می‌رود. (قرضاوی، ۱۳۹۲ ش؛ ۱۲: ص ۲۱)

تعریف اسمی یا لقبی مقاصد شریعت؛ مقاصد شریعت به اهداف و اسراری گفته می‌شود که متضمن مصالح بنده‌گان است و شریعت آن را در تشریح احکام در نظر داشته است. (رحیلی، ۱۹۸م؛ ۸: ۲ / ۱۰۱۷)

تعطیل‌گرایان و تعامل با مقاصد شریعت

چنانچه در مقدمه ذکر شد، در مورد تعامل با مقاصد شریعت سه رویکرد (ظاهری، تعطیلی و اعتدالی) وجود دارد. پیروان مکتب تعطیلی مقاصد و اهدافی را بدون استدلال علمی، و تأویل‌های بعیده به شارع نسبت می‌دهند که هرگز مورد نظر شارع نبوده است. اتکای پیروان این مکتب بر حدس و گمان، و عقل محض است و از هیچ اصول و قواعد شرعی علمی پیروی نمی‌کنند. این‌ها مقاصد و مصالح شریعت را بدون توجه به

نصوص قرآن و سنت، و اصول و قواعد شرعی علمی، مبنای استنباط احکام فقهی قرار می‌دهند. (https://hawza.net)

مشخصات روی کرد تعطیلی

روی کرد تعطیلی یک سلسله مشخصاتی دارد که آن را از روی کردهای ظاهری و اعتدالی متمایز می‌سازد که این مشخصات در ذیل به بررسی گرفته می‌شود.

دین را وسیله دست‌رسی به مصالح دنیایی دانستن

طرفداران این نظریه دین را ابزاری برای نیل به اهداف دنیایی می‌دانند و از دین به عنوان وسیله ای به رسیدن به مقاصد دنیایی‌شان استفاده می‌کنند.

انسان‌هایی که هدف نهایی‌شان دست یافتن به منافع دنیایی است، با تأویلات باطله دین را وسیله رسیدن به منافع دنیایی می‌دانند. چنین اشخاصی چیزی را به نام ارزش‌های دینی و اخلاقی نمی‌شناسند و به جز منافع دنیایی هیچ معیاری را به رسمیت نمی‌شناسند. نزد این گروه فلسفه دین، دنیاسازی است و اعتنایی به مکافات و مجازات آخرت ندارند. (بوطی، ب ت؛ ۵: ص ۴۰ و ۴۱)

ناآگاهی از احکام شرعی؛ اکثر پیروان این مکتب کسانی هستند که از اصول و فروع شریعت چیزی نمی‌دانند، حتی چند حدیث و آیت را صحیح خوانده و ترجمه کرده نمی‌توانند، چه رسد به شناخت ناسخ و منسوخ، حدیث صحیح و ضعیف، و متعارض. این‌ها نه از علوم اصلی شریعت چیزی می‌دانند و نه از علوم ابزاری آن. ایشان مصداق این کلام الهی هستند؛ (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ). (الحج 3) ترجمه: گروهی از مردم بدون هیچ علم و دانشی درباره الله به مجادله برمی‌خیزند، و از هرگونه شیطان (انس و جن) سرکشی، پیروی می‌نمایند.

دست زدن به اجتهاد و استنباط مسائل شرعی این گروه درس خوانده بر مبنای مقاصد شریعت، به کسی می‌ماند که حساب خوانده ادعای حل مغلط‌ترین فورمول‌های ریاضیات را دارد. جسارت در گفتار غیر عالمانه؛ این طایفه در سخن گفتن بسیار جسور هستند و با وجود بی‌اطلاعی از اصول و فروع شریعت چنین ادعا دارند که هر علم و فن شرعی را از امام آن علم و فن بهتر می‌دانند. در حالی که نسبت دادن چیزی به الله و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) که آن را نگفته باشند، گناه بزرگ و از دسایس و وسواس شیطان است. ایشان در تأویل قرآن زیاده روی می‌کنند و کلام الهی را تحریف می‌نمایند. به متشابهات متمسک می‌شوند و محکمت را نادیده می‌گیرند.

پیروی از غرب، و دین سنیزی؛ شاگردان این مکتب لایک‌ها و غربزده‌هایی هستند که خود را بر شریعت تحمیل می‌کنند. این‌ها مدعی تجدید شریعت هستند، ولی در حقیقت دعوت‌گران غرب‌زدگی هستند. (قرضاوی، ۱۴۲۶ ق؛ ۱۲: ص ۹۳ الی ۹۵)

تکیه‌گاه‌ها و محورهای فکری روی کرد تعطیلی

مکتب معطله جدید برای تعطیل نصوص شرعی بر چند محور اتکا دارد و بر اساس این محورها نظریه خود را بنا نهاده است؛ در ذیل این محورها را یادداشت نموده و به مناقشه گرفته ایم.

ترجیح عقل بر نقل؛ طرفداران این مکتب چنین استدلال می‌کنند که الله متعال عقل را عبث نیافریده است و عقل وجه تمایز انسان از حیوان است، به وسیله عقل است که انسان خطاب شارع را درک می‌کند و معنی و مفهوم قرآن و سنت را می‌فهمد؛ بناء آنچه را که عقل حکم به مصلحت آن کند و در آن آسانی و رفع حرج باشد، و در مقابل نصوص شرعی در تقابل با این مصلحت قرار داشته باشد، مصلحت را می‌گیریم و نصوص شرعی را ترک می‌کنیم.

طرفداران این نظریه پدیده عقل مدرن را با عناوین عقل ابزاری و استدلالگر یاد می‌کنند که هدف و ماموریت آن طرح و برنامه ریزی برای تنظیم روابط اجتماعی، و جلب مصلحت و دفع مضرت است. (بیات، ۱۳۸۷ شمسی؛ ۶: ص ۵۳۲)

غلط فهمی و مغالطه؛ در خصوص استفاده از عقل چند غلط فهمی و مغالطه وجود دارد، که در ذیل به بررسی گرفته می‌شود.

یک: عدم تفکیک در میان عقل ابزاری و عقل استدلالی؛ عقل را علمای اصول به دو نوع تقسیم می‌کنند: عقل استقلالی و عقل غیر استقلالی (آلی، ابزاری و سببی)، عقل در استنباط احکام شرعی نقش آلی و ابزاری دارد که به سبب آن خطاب شارع را می‌فهمیم و دست به اجتهاد می‌زنیم، [و همین تفاوت در میان انسان و حیوان است]، ولی در استنباط احکام شرعی عقل نقش استقلالی ندارد. (علی دوست، ۱۳۸۵ شمسی؛ ۱۰: ص ۳۴) عقل به ذات خود بدون رجوع به اصول قرآن و سنت نمی‌تواند دست به استنباط احکام بزند. به تعبیر دیگر عقل وسیله استنباط احکام شرعی است، نه اصول آن.

دو: عقل بسنده‌گی؛ پیروان این مکتب عقل را برای رهنمایی بشر و تفکیک خوب از بد کافی می‌دانند و از آن به عقل بسنده‌گی تعبیر می‌کنند.

این‌ها نمی‌دانند عقل بشر در هر سطحی که باشد، بی‌نیاز از راهنمایی‌ها و هدایت الله نیست، ورنه بعثت انبیاء عبث و بیهوده می‌بود. تجربه بشر ثابت نموده است که در طول تاریخ تکیه بر عقل بشری و آنرا محور جهان‌بینی و ایدیولوژی قرار دادن مصیبت‌زا و خطرناک بوده است؛ چنانچه زنده به گور کردن دختران در زمان جاهلیت قدیم، جایز دانستن خیانت زن و شوهر به یکدیگر، همجنس‌بازی، سودخوری، برهنگی، استعمال مواد نشه‌آور که عقل انسان را از او می‌گیرد، و صدها ناهنجاری‌های دیگر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بر این ادعا مهر صحت می‌گذارد.

بنا بر این الله متعال برای رهنمایی بشر پیامبران را فرستاده است تا رهنمایی شوند: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (آل عمران: 164) ترجمه: یقیناً خداوند بر مؤمنان منت نهاد و تقضّل کرد بدان‌گاه که در میان‌شان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت. (پیغمبری که) بر آنان آیات او را می‌خواند، و ایشان را (از عقائد نادرست و اخلاق زشت) پاکیزه می‌داشت و بدی‌شان کتاب و فرزاندگی (یعنی اسرار سنت و احکام شریعت) می‌موخت، و آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری (غوطهور) بودند.

سه: ادعای تعارض برخ احکام شرعی با مصلحت بندهگان؛ این گروه با سفسطه‌گویی می‌خواهند چنین وانمود کنند که گویا نصوص و احکام شرعی در مواردی با مقاصد کلی شریعت و مصلحت مکلفین در تضاد است. در حالی‌که این در حد یک فرضیه و شاید است و مبتنی بر هیچ دلیل شرعی و استقرای منطقی نیست. شاید در مواردی در میان فهم و برداشت‌های شخصی از نص شرعی، و مصلحت بندهگان تعارض باشد، یا مصلحت مصلحت موهومی باشد نه واقعی، که عقل بشر ناقص و معیارهای مصلحت نزد هر انسانی متفاوت است. از اصول مسلم شرعی است که در میان نص صحیح و صریح، و عقل سلیم و مصلحت واقعی هیچ نوع تعارضی وجود ندارد؛ پس اگر تعارض وجود داشته باشد، یا آن نص شرعی که در تعارض با مصلحت قرار دارد، ظنی الثبوت یا ظنی الدلالة است، (اگر قرآن است دلالتش به موضوع مورد نظر قطعی نیست و اگر حدیث است یا دلالتش به موضوع مورد نظر قطعی نیست و یا به اثبات نرسیده است)، یا این عقل ناقص و سقیم است.

خالق انسان که مصالح و مضار را از او بیشتر می‌داند؛ بهتر می‌داند چه چیز به مصلحت انسان است و چه چیز به ضررش؛ چنانچه الله متعال خود فرموده اند: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾. (المک: 14) ترجمه: مگر کسی که (مردمان را) می‌آفریند (حال و وضع ایشان را) نمی‌داند، و حال این که او دقیق و باریک بین بس آگاهی است؟! (قرضاوی، ۱۴۲۶ ق؛ ۱۲: ص ۹۹ الی ۱۰۲)

این موضوع را امام شاطبی به صراحت بیان نموده است که عقل سلیم با نص صریح و قاطع در تعارض نیست، و اگر ظاهراً عقل با نص در تعارض واقع شود، نقل بر عقل ترجیح داده می‌شود، چون نص شرعی اصل و نقل تابع آن است. (شاطبی، ۱۹۹۷م؛ ۹: 1/ 125)

این گروه این مسأله را می‌پذیرند که هرگاه در میان قانون موضوعه بشر و عقل، یا مصلحت تعارض واقع شود، قاضی مکلف به مراجعه به قانون است و به مطابق مفاد ماده قانون حکم صادر می‌کند، و هیچ شخصی از قاضی نمی‌خواهد که به عقل متهم به عنوان منبع رجوع نماید و مطابق مصلحت او قانون را تفسیر و حکم صادر نماید؛ پس کجای این موضوع منطقی است که عقل و مصلحت را تابع قانون و قاضی بدانیم و الله و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و قرآن و سنت را تابع عقل و مصلحت موهومی.

عقل به معنای ممانعت و بستن است، به همین منظور پای بند شتر را عقال گویند که او را از راه رفتن باز می‌دارد؛ و عقل را از آن جهت به این نام خوانند که انسان را از ارتکاب اعمال زشت باز می‌دارد. بناءً عقل سلیم هیچ‌گاهی به انسان اجازه نمی‌دهد مرتکب اعمالی شود که در مغایرت با شریعت قرار دارد. چون احکام شرعی ضامن مصلحت و تخلف از آن سبب مضرت است.

(تهانوی، ۲۰۲ م؛ ۷: ص ۲۸۳ و ۵۶۵)

ادعای تعطیل نصوص از طرف عمر (رضی الله عنه) به نام مصالح؛ این گروه گمان می‌کنند که عمر (رضی الله عنه) نصوصی را که با مصلحت مردم در تعارض بود، نادیده می‌گرفتند و به مصلحت عمل می‌کردند، و این‌ها خود را مأمور به پیروی ایشان که یکی از خلفای راشدین و یاران نزدیک به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) اند می‌دانند، که در سطور ذیل اشاره ای به حقیقت این ادعا و پوچی آن داریم.

ادعای پوچ الغای سهم مؤلفه القلوب؛ مؤلفه القلوب یکی از اصناف هشت‌گانه مستحقین زکات اند که برای دلجویی و جذب‌شان به اسلام، یا برای جلوگیری از گرویدن کسانی که ایمان ضعیف دارند به ادیان غیر از اسلام، و به سبب دفع شرشان چیزی از اموال زکات به آنان داده می‌شود. (آلوسی، ب ت؛ ۴: ۳۱۱/۵) هرگاه وصف استحقاق در این گروه یافت شود از مستحقین زکات اند و از اموال زکات به آنان داده می‌شود. این گروه برای مبنی قرار دادن مصلحت و تعطیل نص شرعی چنین استدلال می‌کنند که عمر (رضی الله عنه) آیت سهم مؤلفه القلوب را که دیگر مصلحتی در آن نبود، تعطیل کرد و سهم آنان را از موارد مصرف زکات حذف کرد. (قرطبی، ۱۳۸۴ ق؛ ۱۳: 8 / 181)

غلط فهمی و مغالطه؛ این ادعا غلط فهمی محض و مغالطه‌ای بیش نیست، حقیقت امر این است که عمر (رضی الله عنه) در زمان خلافتش سهم مؤلفه القلوب را بدان خاطر لغو نمودند که در آن زمان کسانی وجود نداشتند که مصداق آیت کریمه بوده مؤلفه القلوب محسوب شوند و وصف استحقاق در آن‌ها موجود بوده باشد؛ نه ضروری از طرف آنان متصور بود و نه هم به دلیل قوت گرفتن اسلام و فتح قیصر و کسری دیگر توان توطئه علیه اسلام را داشتند. این عمل به معنای نسخ و نادیده گرفتن آیت قرآن نیست؛ چون قول و عمل هیچ کسی قرآن را منسوخ کرده نمی‌تواند و بر اساس قاعده نسخ چیزی می‌تواند ناسخ باشد که از منسوخ قوی‌تر یا حد اقل مساوی با آن باشد. بناءً حکم آیت باقی است و هر زمانی که مؤلفه القلوب واقعی موصوف با وصف استحقاق وجود داشته باشد، از اموال زکات به آنان داده می‌شود. عمر (رضی الله عنه) کسانی را که در زمان پیامبر (صلی الله علیه وسلم) مؤلفه القلوب محسوب می‌شدند، دیگر مصداق مؤلفه القلوب نمی‌دانست و خودشان به صراحت فرمودند "فقد أعز الله تعالی الإسلام وأغنی عنکم"، (آلوسی، ب ت؛ ۴: 10 / 122) خداوند اسلام را عزت و قوت بخشیده و از شما بی‌نیاز ساخته است. مؤلفه القلوب‌هایی را که عمر (رضی الله عنه) دیگر به عنوان مؤلفه القلوب نمی‌شناخت، محمد غزالی به محصل ممتازی تشبیه داده است که بعد از از دست دادن درجه امتیاز، دیگر مستحق جایزه و تخفیف فیس ماهوار نمی‌باشد. (غزالی، ب ت؛ ۱۱: ص 31) چنین مؤلفه القلوب‌ها به فقرایی می‌مانند که بعد از غنی شدن دیگر از موارد مصرف زکات نیستند.

اجرا نکردن حد سرقت در سال قحطی

استدلال دیگر این گروه برای مبنی قرار دادن مصلحت و تعطیل نص شرعی از عملکرد عمر (رضی الله عنه) این است که ایشان در سال قحطی که قطع دست دزد به نفع جامعه نبود، مصلحتاً نص قرآن را تعطیل نمود و دست دزد را قطع نکرد. (متولی، ب ت؛ ۱۵: ص ۹۱)

غلط فهمی و مغالطه؛ این ادعا نیز که عمر (رضی الله عنه) حد سرقت را در سال قحطی مشهور به عام الرماده اجرا نکرده و نص قرآن را نادیده گرفته است، نادرست است و حقیقت چیز دیگر است. در شریعت اسلامی برای اجرای حدود شرایطی وجود دارد که یکی از آن شرایط نبود وجود شبهه است. در سال قحطی چنین شبهه‌ای وجود داشت که به احتمال قوی کسانی دست به سرقت و دزدی می‌زدند که مضطر و مجبور بودند. علت سرقت این افراد حالت اضطرار آنان بود نه مخالفت با

دستورات شریعت و نادیده گرفتن احکام آن. بناءً این عملکرد عمر (رضی الله عنه) مبنی و اساس شرعی دارد. (قرضاوی، ۱۴۲۶؛ ۱۲: ص ۱۰۷)

قابل یادآوری است در صورتی حکم به حالت اضطرار و سایر حالات می‌شود که شایع بوده و به غالب گمان چنین حالتی حکم فرما بوده باشد، "الْعِزَّةُ لِلْغَالِبِ الشَّائِعِ لَا لِلنَّادِرِ". (گروهی از نویسندگان و دانشمندان اسلامی، ب ت؛ ۱۴: ماده ۴۲) اگر قرار باشد که در مورد هر سارقی و جانی‌بی چنین گمان شود که شاید مجبور و مضطر بوده باشد، حدود و سایر مجازات تعطیل می‌شود. موضوع تغییر احکام با تغییر شرایط و ظروف، در کتب اصول تحت عنوان "ثوابت و متغیرات" بحث می‌شود که تابع یک سلسله اصول و قواعد علمی خاص خود است.

مقوله "آنجا که مصلحت است شریعت آنجاست"

مبنای این نوع طرز دید یک غلط فهمی است که آگاهانه یا ناآگاهانه باعث مغالطه شده است. از دید این گروه آنجا که مصلحت است، شریعت آنجاست؛ در حالی که قضیه برعکس است و آنجا که شریعت است، مصلحت آنجاست. به مصلحت در صورتی عمل می‌شود که نصی از قرآن و سنت وجود نداشته باشد؛ چون مصلحت بندهگان را الله بهتر می‌داند؛ ﴿قُلْ أَلَمْ أَعْلَمْ أَنَّمَا اللَّهُ؟﴾ (البقره: ۱۴۰) ترجمه: بگو: آیا شما بهتر می‌دانید یا خدا؟.

مصلحت شرعی و مصلحت تعطیلی‌ها؛ نگرش تعطیلی‌ها و شریعت نسبت به مصلحت متفاوت است؛ از دید تعطیلی‌ها

مصلحت جنبه مادی و دنیایی محض دارد که موقتی و زود گذر است، اما دید شریعت نسبت به مصالح دید وسیع و گسترده است و مصلحت نزد شریعت اسلامی جنبه مادی و معنوی، و دنیایی و آخرتی دارد. شریعت همه ابعاد را به گونه همزمان و متعادل در نظر می‌گیرد.

مبنای توهم این‌ها در این است که نصوص قطعی را ظنی، و مصلحت موهوم را مصلحت واقعی می‌دانند. همه جوانب مصلحت را فقط کسی می‌داند که به همه جوانب دانش مسلط باشد و ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از علم او بیرون نباشد. این‌ها حکم شرعی را تابع خواهشات نفسانی مردم می‌دانند که اگر این خواهشات در مسیر درست بود، دین هم در مسیر درست باشد، و اگر این خواهشات منحرف شد و به بیراهه رفت، دین نیز منحرف شود و به بیراهه رود. (قرضاوی، ۱۴۲۶ق؛ ۱۲: ص ۱۱۵ و ۱۲۹)

دو مغالطه

به تعبیر دیگر این‌جا دو مغالطه وجود دارد؛ یک: اشتباه گرفتن اصول قانونگذاری اسلام با احکام اسلامی. دو: اشتباه گرفتن مصالح موهومی (هوا و هوس) با مصالح واقعی. در حالی که آنچه ثابت است، اصول قانونگذاری اسلام است که تابع قواعد خاص خود است و تا قیامت قابل تغییر نیست. (مطهری، ۱۳۸۲ شمسی؛ ۱: ۱۶ / ۱۳) و احکام فرعی که مبنای آن عرف و مصالح موقتی باشد، با تغییر عرف و مصلحت قابل تغییر است، و آنچه که شرعاً اعتبار دارد مصالح واقعی است نه موهومی.

آثار و نتایج این نوع طرز تفکر

این نوع طرز تفکر پیامدهای ناگواری بر تعلیمات و آموزه‌ها، و فرهنگ ناب جوامع اسلامی دارد، که چند مورد آن در ذیل به بررسی گرفته می‌شود.

تعطیل نصوص شرعی (قرآن و سنت) به بهانه مقاصد شریعت و مصالح بندهگان؛ پیروان این مکتب ادعای پیروی از مقاصد شریعت را دارند و به این بهانه نصوص قرآن و سنت را نادیده می‌گیرند. (متولی، ب ت؛ ۱۵: ص ۹۱) گویی که این‌ها مصالح بندگان را از خالق آنان خوبتر می‌دانند.

این گروه مصداق این آیه کریمه هستند؛ ﴿أَقْتُمُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ﴾. (البقره ۸۵) ترجمه: آیا به بخشی از قرآن ایمان می‌آورید و به بخش دیگر کفر می‌ورزید؟. قرآن از فتنه این گروه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و مسلمانان را برحذر داشته است و این گروه را نیز از این فتنه‌انگیزی سخت برحذر داشته است: ﴿وَأَنَّ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾. (المائدة ۴۹)

ترجمه: و (ای پیامبر!) در میان آنان طبق چیزی حکم کن که خدا بر تو نازل کرده است، و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش که (با کذب و حق پوشی و خیانت و غرض ورزی) تو را از برخی چیزهایی که خدا بر تو نازل کرده است به دور و منحرف نکنند (و احکامی را پایمال هوی و هوس باطل خود نسازند). پس اگر (از حکم خدا رویگردان شدند و به قانون خدا) پشت کردند، بدان که خدا می‌خواهد به سبب پاره ای از گناهان‌شان ایشان را دچار بلا و مصیبت سازد. بی‌گمان بسیاری از مردم (از احکام شریعت) سرپیچی و تمرد می‌کنند (و از حدود قوانین الهی تخطی می‌نمایند).

شگفت‌آور این که این‌ها نصوص شریعت را به نام مقاصد شریعت و مصالح مکلفین تعطیل می‌کنند، گویی که نصوص شرعی با مصالح و مقاصد شریعت در تضاد اند. این گروه می‌خواهد زیر نام مقاصد و مصالح، اصول و فروع، و علوم اصلی و ابزاری شریعت را زیر سوال ببرند و با تأویلات و تفسیرات غیر علمی و منطقی‌شان به مقاصد شریعت اکتفا کنند و نصوص و علوم شرعی را معطل قرار دهند.

در حقیقت این‌ها برای الله عظمت و شکوهی قایل نیستند و وسعت حکمت، و رحمت الله را آن‌گونه که شایسته اوست نشناخته اند. این‌ها خود را در مقام خدایی می‌بینند و برای خود حق تشریح و قانونگذاری قایل اند که می‌توانند حلال خدا را حرام و حرامش را حلال جلوه دهند. (قرضاوی، ۱۴۲۶ ق؛ ۱۲: ص ۱۱۹ و ۱۲۰)

مخالفت با ارکان، ارزش‌ها، و حدود اسلامی زیر نام مصلحت؛

این‌ها می‌خواهند تحت نام مصالح اجرای حدود و مجازات شرعی را که با نص قرآن و سنت صحیح پیامبر (صلی الله علیه وسلم) ثابت اند، تعطیل کنند، و خواهان ترویج ردایل اخلاقی، اشاعة زنا و فحشاء، مباح بودن شراب، تساوی زن و مرد در میراث، جواز امامت و خطابت زن، و برطرف ساختن حجاب اسلامی هستند.

این‌ها با ارکان اسلام (نماز، روزه، زکات و حج) مخالف اند و این عبادات را در تضاد با منافع اشخاص و جامعه می‌دانند. این‌ها با عبادات اسلامی با دید مادی محض می‌نگرند، این‌ها [هدف را با وسیله و علت را با حکمت اشتباه گرفته و] می‌گویند هدف از عبادت ترکیه نفس است و ما می‌توانیم از دیگر راه‌ها نیز نفس خود را ترکیه کنیم. (قرضاوی، ۱۴۲۶ ق؛ ۱۲: ص ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

از مباحث قبلی به این نتیجه رسیدیم که:

1. روی کرد تعطیلی به بهانه رعایت مقاصد شریعت، در سدد تعطیل قرآن و سنت است.
2. مقاصد شریعت به اهداف و اسراری گفته می‌شود که متضمن مصلحت فرد و جامعه اند شریعت در تشریح احکام آن را در نظر داشته است.
3. از مشخصات این گروه دین را وسیله دست‌رسی به مصالح دنیایی قرار دادن، ناآگاهی از احکام شرعی، جسارت در گفتار غیر عالمانه، و پیروی از غرب و دین ستیزی است.
4. تکیه‌گاه‌ها و محورهای فکری روی کرد تعطیلی ترجیح عقل بر نقل، ادعای تعطیل نصوص از طرف عمر (رضی الله عنه) به نام مصالح و مقوله "آن‌جا که مصلحت است شریعت آن‌جا است" می‌باشد.
5. این نوع طرز دید نتایج و آثار ناگواری بر جومع و فرهنگ اسلامی دارد؛ مانند تعطیل نصوص شرعی (قرآن و سنت) به بهانه مقاصد شریعت و مصالح مکلفین، و مخالفت با ارکان، ارزش‌ها، و حدود اسلامی زیر نام مصلحت.

خلاصه البحث

یرید الباحث أن یبیین موقف المدرسة التعطيلية في مقاصد الشريعة ويرد المغالطات التي تطرح من تلقاء أهل التعطيل. المعطلة هي التي تزعم أنها تُعني في استنباط الأحكام بمقاصد الشريعة، دون الإعتناء بنصوص الشرعية من القرآن و السنة. قد ابتنت المعطلة مدرستها على الأصول الآتية: ترجيح منطق العقل على النقل، وادعاء تعطيل عمر (رضی الله عنه) النصوص بإسم المصالح، ومقولة "حيث توجد المصلحة فثم شرع الله". و من سماتها: الجهل بالشریعة والجرأة على القول بغير علم و التبعية للغرب. و من نتائجها: تعطيل نصوص القرآن و السنة، ومعارضة أركان الإسلام و مكارمها، ولهذه المعارضة أثر سوء في المجتمع الإسلامي. تشمل هذه الدراسة على مقدمة و صلب الموضوع و الخاتمة؛ فأما المقدمة فذكرت فيها أهمية الموضوع، و أسباب إختياره، و حل المشكلة، و نظرية التحقيق، و أسئلة التحقيق، و هدف التحقيق، و الدراسات السابقة، و سمات التحقيق و منهجي بالبحث و خطته. و صلب الموضوع مشتملة على مرتكزات مدرسة التعطيل و سماتها و أثرها السوء في المجتمع الإسلامي. أما الخاتمة مشتملة نتيجة البحث و المراجع و المصادر. ارتكزت في تحضير هذه الدراسة على كتب معتمدة قديماً و حديثاً فتكون دراسة مكتبية.

منابع و مأخذ**القرآن الكريم**

1. ابن قيم، محمد بن أبي بكر أبو عبد الله الجوزية (1973م). إعلام الموقعين عن رب العالمين. الناشر: دار الجيل - بيروت -.
2. ابن منظور، محمد (ب ت). لسان العرب. ناشر: دار صادر - بيروت - . نوبت چاپ: اول.
3. الاصفهاني، ابو القاسم الحسين المعروف بالراغب (1399ق). مفردات غريب القرآن. الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت - . الطبعة الخامسة.

4. الألوسي، محمود أبو الفضل (ب ت). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت -.
5. البوطي، محمد سعيد رمضان (ب ت). ضوابط المصلحة في الشريعة الإسلامية. الناشر: مؤسسة الرسالة - دمشق -.
6. بيات، عبد الرسول و جمعی از نویسندگان (1387 شمسی). فرهنگ واژه‌ها. ناشر: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی. چاپ و صحافی: باقری. نوبت چاپ: دوم.
7. تهانوی، اشرف علی (2002 م). اشرف الجواب. ناشر: سلامت اقبال پرس ملتان.
8. الزحيلي، وهبة (1986م) اصول الفقه الإسلامي. الناشر: دار الفكر - دمشق - . الطبعة الأولى.
9. الشاطبي، إبراهيم بن موسى (ب ت). الموافقات: الناشر: دار ابن عفان.
10. علی دوست، ابوالقاسم (1385 ش). فقه و عقل. ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران -.
11. الغزالي، محمد (ب ت). دستور الوحدة الثقافية بين المسلمين. الناشر: دار نهضة مصر. الطبعة الأولى.
12. القرضاوى، يوسف (1426 ق). دراسة في مقاصد الشريعة بين المقاصد الكلية و النصوص الجزئية. الناشر: دار الشروق - قاهره -.
13. القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد (1384ق) تفسير القرآن العظيم. الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة - . الطبعة الثانية.
14. لجنة مؤلفة من العلماء المحققين (ب ت) مجلة الأحكام العدلية. ناشر: المكتبة العربية - كويته - باكستان.
15. المتولي، عبد الحميد (ب ت). مناهج التفسير في الفقه الإسلامي. الناشر: شركة عكاظ - سعودي - .
16. مطهری، مرتضی؛ (1382 شمسی). انسان و نیازهای زمان. چاپ و صحافی سازمان چاپ و انتشارات وزارت و ارشاد اسلامی.